



وحدت ملی خونین در حباب دمکراسی

دوران پسا طالبان با سیزده سال حکومت کززی و نزدیک به سه سال ریاست جمهوری اشرف غنی، روزگار پرفراز و نشیبی را طی کرد اما کسی تصور نمی کرد زمانی دولت کززی بدل به آرزوی برای بازگشت شود.

حکومت وحدت ملی که از دل جنجالی ترین انتخابات طولانی جهان با تقلب گسترده به قدرت رسید جز ناامن ترین سال ها می باشد در تداوم جنگ، قدرت یابی گروه های تروریستی و تلفات تکان دهنده غیرنظامی به گونه ای که براساس گزارش یوناما، سال ۲۰۱۷ با بیش از ده هزار کشته و زخمی غیرنظامی از خونبارترین های دوران چهل ساله نامنی هاست. در این میان، نظام حاکم در دوران جدید با گذر از روزگار افراط گری اگر توانایی برقراری حکومت مشروع و تطبیق قانون را ندارد برچه اساسی دم از دمکراسی می زند؟

چهل سال گذشته هم زمان با رویدادهای سیاسی در جنگ و ناامنی به پیش رفت، زمانی وابستگی به شوروی دلیل ماندگاری حکومت ها بود، دهه ای با نام جهاد، گروهی در افراط گری و استفاده از دین با پرچم سفید و اکنون، استفاده از عنوان دمکراسی برای سرپوش گذاشتن بر فساد و سلطه گری.

دوران جدید در کنفرانس بن بنا به خواست غرب با حکومت قومیتی در قانون اساس ناقص، برآزنده افغانستان پایه گذاری شد و اگرچه ابتدا موجی از امید در میان مردم به وجود آورد اما در مدت کوتاهی بدل به فاجعه ای برای تحکیم گروه های تروریستی در تداوم جنگ بروز کرد تا جایی که اگر کززی در سیاستمداری با کنترل جزایر قدرت حداقل نیم بند ثبات پایتخت و برخی ولایت های بزرگ را حفظ می کرد، اشرف غنی جز ارگ باقی مناطق را با سیاست قبیله ای در خون و ناامنی فرو برد.

دانش آموخته غرب با لقب متفکر دوم جهان اهداف شوم در سر دارد و با ابزار زور و تکیه بر حمایت امریکا از دمکراسی برای فساد استفاده می کند و از قبیله گرایی برای جنگ و کشتار.

فساد مبنای حکومت گذشته و اکنون است با دامنه متفاوت می باشد به طوری که اگر کززی، رهبران جهادی را مانع پشتونیزم شدن افغانستان می دید اما در سیاست و درک وضعیت سیاسی و اجتماعی کشور به مدیریت و کنترل آنان می پرداخت در حالی که اشرف غنی هیچ اعتقادی به مشورت ندارد و با تمامی توان به نبرد با جزایر قدرتی رفته که در کنار آلودگی به جنگ های گذشته، پایه و اساس قدرت، همچون بندی مانع از هم گسستگی قومیتی می باشند.

حال، کشته و زخمی شدن بیش از ده هزار غیرنظامی تنها در طول یک سال، قدرت طالب نیست بلکه در لایه های زیرین، ریشه در فساد و خیانت دارد و اگر به تکرار نام ستون پنجم شنیده می شود همان نزدیک ترین افراد به رییس جمهور هستند که سکان کشور را در دست دارند.

در این میان، حمله های به تکرار در امنیتی ترین مناطق پایتخت که باید برای رسیدن به آن، پست های بیشمار بازرسی را طی کرد اگرچه گواه ضعف استخبارات و رهبری در نهاد امنیتی است اما نه تنها حکومت وحدت ملی با کمبود نیرو و تجهیزات برای نابودی تروریستان مواجه نیست بلکه استخبارات ارگ با قدرت، صرف به حاشیه راندن رهبران جهادی و هماهنگی با گروه های تروریستی می شود.

حکومت های دوران جدید در رنگ و لعاب دمکراسی و قانون چیزی جز فساد و خیانت نمی باشد، اکثر رهبران با اقتدار در چهاردهه جنگ و ناامنی از میان رفتند و هر گروه و حکومتی که به قدرت رسید بخشی از نخبه های سیاسی را در ترور حذف کرد و برهمین اساس، افرادی چون کززی و غنی با تکیه بر استانکزی و اتمر فرصت ریاست جمهوری می یابند.

کززی در پوشش یک ملی گرا از طالبان، برادر و مخالف سیاسی ساخت و غنی طی چهار سال، شمال را به داعش واگذار و باقی کشور را در

تهدید طالبان رها کرد تا دورانی بسازد به مانند سلطنت امان الله خان در انتقام جویی سقوط حاکمیت داکتر نجیب.

امان الله خان اگر رویای سازندگی داشت اما با دور شدن از ملت به سرآشویی سقوط رسید و داکتر نجیب در توسل به متجاوز خارجی و همراه شدن با کشتار و خون بدل به ۱ قربانی افراط گرایان شد، دلایلی نزدیک به آنچه حکومت وحدت ملی بر مبنای آن عمل می کند.

سال میلادی جاری که با خونبارترین حمله های انتحاری کابل آغاز شد و ادامه دارد، بحرانی تر از سال گذشته خواهد بود زمانی که رییس جمهور با زور سیاسی در تحمیل نام "افغان" شناسنامه های الکترونیک را آغاز کرده و یک جناح مخالف آماده تظاهرات سراسری است.